

نقش دولت در ثبات مالی وعوامل مؤثر بر هم گرایی وواگرایی نرخ ها

سعید توتونچی . کارشناس بانکی

- ۱. شورای پول و اعتبار نرخ سود ۱۵ درصد را برای سپرده ها و ۱۸ درصد را برای تسهیلات تصویب کرده است.
- ۲. دولت، اسناد خزانه را به نرخ سودهای ۲۴ و ۲۵ درصد در بازار بدهی و فرابورس عرضه می کند. ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار با مصوبه امروز نمایندگان مجلس شورای اسلامی مشخص شد.
- الف- وزیر امور اقتصادی و دارایی با معاون او
- ب- رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
- پ- قائم مقام یا یکی از معاونان بانک مرکزی با معرفی رئیس کل
- ت- رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور یا معاون او
- ث- وزیر صنعت، معدن و تجارت
- ج- دو نفر از وزرا به انتخاب هیئت وزیران
- چ- رئیس هیئت عامل صندوق توسعه ملی
- ح- دو نفر کارشناس خبره و متخصص در حوزه های اقتصادی، پولی، بانکی با ۱۵ سال سابقه فعالیت علمی و اجرایی در زمینه پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و تأیید رئیس جمهور به مدت دو سال که انتخاب مجدد آنها بلامانع است.
- خ- یک نفر مجتهد آشنا به مسائل مالی و پولی با معرفی شورای عالی حوزه های علمیه
- د- دادستان کل کشور یا معاون او
- ذ- رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
- ر- رئیس اتاق تعاون جمهوری اسلامی ایران
- ز- نمایندگان کمیسیون های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی (هرکدام یک نفر) به عنوان ناظر با انتخاب مجلس
- تبصره: ریاست شورا بر عهده رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است.

(منبع سایت الف)

سؤال: تصمیم گیری درخصوص نرخ سود سپرده ها در بانک ها برای اسناد خزانه از سوی چه هیئتی، چه کسانی و در کجا گرفته می شود که این تناقض آشکار نادیده گرفته می شود؟!

۳- با توجه به اینکه دولت طبیعتا باید فعالیت کمربینگی نسبت به بخش خصوصی داشته باشد و نرخ سود پایین تری را ارائه کند، متاسفانه شاهد آن هستیم که دولت، اسناد خزانه را با نرخ ۲۵ درصد عرضه و تأمین مالی می کند.

۴- تا وقتی که همه نرخ ها با هم در یک محدوده قرار نگیرند رقابت ها همچنان وجود دارد و مادمای که نرخ اسناد خزانه ۲۵ درصد است نباید انتظار داشته باشیم نرخ های رسمی مصوب شورای پول و اعتبار در محدوده ۱۵ درصد رعایت شود زیرا ناشدنی است.

۵. درآمدهای نفتی دولت به شدت کاهش یافته و دولت با کسری بزرگی مواجه است و اگر این تأمین مالی به منظور پوشش کسری از بخش خصوصی باشد یعنی اینکه بازم هم باید شاهد عرضه اوراق خزانه دولتی با نرخ های بالاتری در بازار بدهی و فرابورس باشیم.

۶. عملا واگرایی ایجادشده از سوی دولت در عرضه اوراق دولتی مانع از هم گرایی نرخ سود سپرده ها در نظام بانکی بر مبنای مصوبه شورای پول و اعتبار خواهد شد. بانک های مختلف با توجه به وضعیت خود ابزارهای مختلفی را طراحی کرده و نرخ های متفاوتی را ارائه خواهند کرد.

راه حل: اگر دولت و بانک مرکزی اصرار بر اجرای نرخ سود سپرده ها طبق مصوبه شورای پول و اعتبار دارد، چاره ای جز ایجاد مکانیسم هم گرایی در نرخ سود بازار پول و بدهی ندارد. بانک مرکزی باید در یک برنامه کوتاه مدت شروع به خرید دیون و پرداخت بدهی های دولت کند تا از این طریق نقدینگی به دولت تزریق شود و هم زمان با خرید دیون دولتی، تأمین مالی دولت در فرابورس و اوراق مشارکت کاهش پیدا کند. با کاهش نرخ، هم زمان نقدینگی تزریق شده به دولت وارد نظام بانکی می شود و دولت منابع بانکی را از بانک مرکزی می گیرد و به طلبکاران می پردازد. این طلبکاران یا پیمانکارانی هستند که برای دولت کار می کنند یا بانک های هستند که دولت به آنها بدهکار است. این فرایند کمک می کند دیون پرداخت شود و نظام بانکی با نقدینگی بیشتری مواجه می شود و به تدریج رقابت برای افزایش نرخ های سود سپرده در نظام بانکی از بین رفته و حتی رقابت معکوس (کاهش نرخ سود سپرده) ایجاد می شود. اگر این کار انجام شود کمک بزرگی به بخش تولید خواهد شد. تولیدکنندگان، منابع مالی را با نرخ پایین تری جذب می کنند و در فرایند تولید به کار می گیرند و نتیجه آن رشد اقتصادی و اشتغال پایدار برای کشور عزیزمان خواهد شد.

دولت برای کنترل نرخ ارز می تواند از ابزارهای بازار سرمایه استفاده کند و مجوزهای لازم برای ایجاد صندوق طلا و صندوق ارزی را صادر کرده تا آن دسته از کسانی که نگران کنترل تورم از سوی دولت هستند، دارایی های خود را به منظور جلوگیری از کاهش ارزش در این نوع صندوق ها سرمایه گذاری کنند تا بخشی از دارایی ها در پستوی خانه ها معطل نمانده و در چرخه اقتصادی نقش آفرین شوند.

فریدون فشارکی، نزدیکی سعودی ها به روسیه را در گفت وگو با «شرق» تحلیل می کند

عربستان، دنبال ربودن نزدیکان ایران

ایران دنبال گوشمالی هند است؛ اما به نفع ۲ کشور است که با یکدیگر به توافق برسند



فریدون فشارکی

اشکالی ندارد. ولی فروختن منابع زیرزمینی همه جا مشکل دارد. مثلا قبل و بعد از انقلاب، حتی یک شرکت خارجی در عربستان کار بالادستی نمی کرد. کسی از این قضیه خوشش نمی آید، ولی وقتی ولیعهد معاون ولیعهد بوده و می خواست به دنیا ثابت کند که فردی فهمیده و اصلاح طلب است و می تواند کارهای جدیدی انجام دهد، فروش سهام آرامکو را جزء برنامه هایش قرار داد. در برنامه ۲۰۳۰ هم خیلی موارد زیاد وجود دارد که اکثرشان عملی نیست. در کل می گوید دید من نسبت به آینده این طور است. از این نظر خوب است که کسی در عربستان بگوید می خواهم در آینده اتکالیمان به نفت کم باشد. در جمهوری اسلامی هم هر رئیس جمهور گفته می خواهیم وابستگی به نفت کم شود اما همواره این وابستگی بیشتر شده است. این دیدگاه ها، ولیعهد را با بینش پیشرفته که می خواهد کار جدیدی انجام دهد نشان می دهد. پنج درصد از سهام آرامکو را در نظر دارند بفروشند و ترجیح می دهند نیمی از پنج درصد را مردم عربستان بخرند. اما برای این کار به قیمت نفت ۶۰ دلار نیاز است. اگر قیمت نفت پایین تر باشد ارزشمندی سهام، پایین می آید. سیاست های فعلی عربستان مخلوط شده با اینکه قیمت نفت در زمان فروش آرامکو باید مناسب باشد که کار خیلی اشتباهی است، چون اگر آن زمان بهرروز قیمت را بالا ببرند بعدا قیمت پایین خواهد آمد و

ریسک را بکنند. به هر حال این فداکاری کوچک را انجام داده اند و ۴۰۰،۳۰۰ هزار بشکه تولید را کم کرده اند و رابطه شان با عربستان خیلی بهتر شده، عربستان آنجا سرمایه گذاری دیگری می کند و شاید در صنایع پتروشیمی راه را برای روس ها باز کند. در عربستان، صنایع نفت صد درصد دست خودشان است و هیچ شرکت خارجی آنجا نیست. اینکه می گویند عربستان نوکر آمریکاست، این طور نیست. اصلا یک شرکت خارجی در عربستان نیست و همه کارها را خودشان انجام می دهند اما در پتروشیمی و پالایش شرکای خودشان را دارند. IPC و بایک لازم ندارند. عربستان وقتی نفت را می فروشد پول نفت را برمی دارد که خرج خودش است و بقیه را به دولت می دهد. وزارت نفت ایران، وقتی نفت را می فروشد همه را به دولت می دهد و التماس می کند که پول بگیرد. آنها از لحاظ مالی خیلی تأمین بهتری دارند نه مثل بقیه سازمان های دیگر که پولی را که خودش در آورده، باید التماس کند که پس بگیرد. اکنون روس ها و عربستان رابطه نزدیک تری پیدا کرده اند. از طرف دیگر، همه در دنیا تصور می کنند ایران با روسیه روابطی خیلی نزدیک دارد و عربستان هم می خواهد در اقتصاد روسیه، درنی باز کند که بگوید ما هم هستیم. اما اثر عجب و غریبی در بازار نفت نخواهد داشت. این یک روند است. عربستان سعی می کند نزدیکان به ایران را کم کم به سمت خودش بیاورد؛ از مقتدی صدر و دولت عراق گرفته تا گروه های فلسطینی تندرو که به ایران نزدیک بودند و همه به جیب عربستان رفته اند. این روش سیاسی است. باین حال، در بازار نفت در کوتاه مدت یا میان مدت اثر بزرگی متاثر از این بیدار نمی بینم.

❧ در توافق دوباره اوپک برای کاهش تولید چه اثری دارد؟

چاره ای به جز این موضوع نیست. در بازار نفت، به دو شاخص بسیار توجه می شود؛ یکی ذخیره سازی هفتگی که در این هفته بالا رفته یا پایین آمده. معیار دیگر اینکه به متوسط پنج سال گذشته ذخیره نزدیک هستیم یا دور. اکنون اوپک می بیند میزان ذخیره سازی بیشتر خارج می شود تا وارد شود. این از نقطه نظر بازار مثبت است، اما از متوسط پنج سال هنوز خیلی فاصله داریم. در حال حاضر، ۱۵۰ میلیون بشکه بالای متوسط پنج سال هستیم. اگر تا آخر مارس آینده این قرارداد تمام شود، معلوم است هیچ وقت به آن متوسط نمی رسیم. اما اگر ادامه اش دهیم بازار امیدی دارد که بتوانیم به متوسط پنج سال برسیم. به این خاطر اوپک امکان انتخاب این را که تمدید نکند، ندارد. فقط می تواند انتخاب کند سه ماه، شش ماه یا ۹ ماه آن را تمدید کند. منطقی هم این است که تا آخر سال این کار را بکنند.

روس ها هم قبول دارند. فقط چانه زدن سر مدت ادامه است. اگر تا آخر ۲۰۱۸ این توافق ادامه داشته باشد امکان دارد به متوسط پنج سال برسیم که به نظر من نمی رسیم و بعد از ۲۰۱۹ هم باید این قرارداد را ادامه دهند. قرارداد بدی هم نیست. برای اوپک ضربه بزرگی محسوب نمی شود. ضربه سقوط بزرگ را عربستان تحمل کرده؛ ایران که در این قسمت هیچ گونه فداکاری ای نکرده، عربستان هم حاضر است در صورت لزوم حتی تولید را کمتر هم کند. مشکل این است که قیمت نفت که به ۶۰ دلار رسید، آن قدر نفت جدید در بازار می آید که قیمت سقوط می کند. این کار یک پلیس لازم دارد و به جز عربستان، کس دیگری نمی تواند این کار را انجام دهد. ایران هم که فعلا می گوید به من مربوط نیست اما اگر قیمت ها افت داشته باشند دودش به چشم همه خواهد رفت. ممکن است قیمت به ۴۰،۳۵ دلار برسد. وقتی قیمت بالا برود، پلیس باید بطور بازار را هدایت کند که قیمت خیلی پایین با بالا نرود. کار سختی است چون هرکسی کمود بودجه دارد و پول بیشتری می خواهد. سخت است که بگویم شما راضی شوید که پول نگیرید، اما همه ضرورت این کار را دریافته اند.

❧ آن طور که می گویند، ولیعهد عربستان به دنبال کاهش وابستگی به نفت و فروش سهام آرامکو است، دقیقا چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟

فروش سهام آرامکو به نظر من کار اشتباهی است و در عربستان هم در شبکه های مجازی، ۹۰ درصد با این موضوع مخالف هستند. فروش سهام پالایشگاه و پتروشیمی، حتی فروش سهام پخش و پمپ های بنزین

شکوفه حبیب زاده؛ در سفر هرساله اش به ایران، آمده تا با بیژن زنگنه، وزیر نفت و دیگر مسئولان این حوزه، گپ وگفتی داشته باشد. فریدون فشارکی، مدیرعامل مؤسسه مشاوره بین المللی مطالعات انرژی فکت گلوبال انرژی (FACTS)، آمریکا، چهره ای شناخته شده در صنعت نفت جهان است. این سفر را بهانه ای قرار می دهیم تا درباره اثر تغییرات و تحولات سیاسی و اقتصادی جهان بر بازار نفت از او بپرسیم. او از ادامه توافق اوپک حمایت می کند و استمرار این توافق تا ۲۰۱۹ را به نفع بازیگران این صنعت می داند. به گفته او، عربستان به سبب نقش مهم خود در بازار نفت، می تواند پلیس بازار باشد و قیمت ها را کنترل کند. باین حال، از فروش سهام آرامکو و احتمال بازی عربستان با قیمت برای نگهداشتن ارزش این سهام، ابراز نگرانی می کند و هشدار می دهد بازار این بازی را می فهمد. همچنین به گفته فشارکی، نزدیکی عربستان و روسیه که اخیرا در سفر ملک سلمان به این کشور مشهود است، به علت نزدیکی ایران و روسیه است. سعودی ها قصد دارند نزدیکان ایران را بر بایند. این تصمیمی سیاسی است و ارتباط چندانی با بازار نفت ندارد. مدیرعامل مؤسسه مشاوره بین المللی مطالعات انرژی فکت گلوبال انرژی «FACTS» آمریکا، به ایران و هند توصیه می کند به قهر بر سر میدان فرزد B خاتمه دهند و توافق را در پیش گیرند، زیرا این به نفع دو کشور خواهد بود. این تحلیلگر بازار نفت همچنین از تأثیر ادعای ترامپ مبنی بر عدم پایبندی ایران به برجام هم سخنی می گوید. به گفته او، این تأثیر روی سرمایه گذاری است و در کوتاه مدت و میان مدت اثری بر تولید نفت نخواهد داشت، زیرا به هیچ ترتیبی ایران سهم خود را در بازار واگذار نخواهد کرد و به فروش ادامه می دهد، حتی اگر برای دریافت پول خود دچار مشکل شود. او همچنین تحریم سه جانبه علیه اقلیم کردستان عراق را بیشتر فشار سیاسی بر این اقلیم و اقدامی برای ترساندن این اقلیم می داند و بر همین اساس معتقد است به علت حجم کم تولید این خطه، نمی تواند تأثیر چندانی روی بازار داشته باشد.

❧ نگاهی داشته باشیم به عدم پایبندی آمریکا به برجام. اگر ترامپ ادعا کند که ایران به برجام پایبند نیست، این امر می تواند چه اثراتی در بازار داشته باشد؟

اثرات منفی این اقدام در ایران بر سرمایه گذاری است نه تولید. اگر آمریکا به شرکت توتال فشار بیاورد باور نمی کنم با قول هایی که داده در ایران بماند. البته اروپایی ها حتما مقاومت و مخالفت می کنند. اما اکنون در آمریکا، ارتش مهم نیست بلکه وزارت خزانه داری مهم است. اگر آمریکا از برجام بیرون بیاید، دوباره مشکلات بزرگ تری درباره انتقال پول برای ایران به وجود می آورد، اگر چه اکنون هم مشکلات زیاد است اما صد درصد شدیدی تر می شود. ممکن است ایران باز هم نتواند پول کالاهایی را که می فروشد، بگیرد. بنابراین بر سرمایه گذاری ها حتما اثر منفی خواهد گذاشت اما در کوتاه مدت بر تولید اثری نخواهد داشت. چون به نظر من برنامه ایران این است که اگر نتوانیم اکنون پول را بگیریم، نفت را می فروشیم و طلبکار می شویم. این طور نیست که ایران نتواند نفت بفروشد و تولید و صادرات را قطع کند، زیرا بازار را از دست می دهد.

❧ تحریم سه جانبه کردستان عراق از سوی ایران-ترکیه و دولت مرکزی عراق، در حال حاضر مطرح است. این امر چه تأثیری بر بازار خواهد داشت؟

کردستان عراق حدود ۵۵۰ هزار بشکه نفت خام صادر می کند که همه اینها از طریق ترکیه انجام می شود. اگر صادرات واقعا قطع شود، قطعا بر بازار اثر مثبت خواهد داشت. پادمان باشد خیلی

از کشورها هستند که می توانند به سرعت ۵۵۰ هزار بشکه را جایگزین کنند اما اثرات روحی خواهد داشت، هر چند باورمان نیست که این صادرات قطع شود. اینها به صورت تهدید و ترساندن است و این اخطار که اگر اعلام استقلال بکنید، ما هم جلوی صادرات نفت این اقلیم را خواهیم گرفت. شاهرگ این تهدید دست ترکیه است. ایران و عراق در این زمینه نمی توانند کاری کنند. زمانی که قیمت نفت برنت به ۶۰ دلار رسید، حتما متاثر از این موضوع هم بود. ولی موضوع خیلی مهمی نیست. اگر دروخورش پیش بیاید بخش سیاسی آن مهم است اما صادرات نیمه میلیون بشکه در روز اثر چندانی ندارد. صادرات نفت لیبی به راحتی نیمه میلیون بالا رفته و نیمه میلیون پایین می آید. اینها تعیین کننده وضع بازار نیست.

❧ سفر ملک سلمان به روسیه چه تأثیری می تواند بر همکاری های نفتی و توافقات آینده در اوپک داشته باشد؟

تأثیر مهمی ندارد. روس ها برای اولین بار در سال های گذشته که دهها بار برای کاهش تولید قول داده بودند و عمل نکرده بودند، این بار همکاری کرده اند. البته در عربستان، وزیر نفت از ملک سلمان دستور می گیرد، همان طور که نوک، وزیر نفت روسیه، هم از پوتین دستور می گیرد. در حقیقت آقای زنگنه خودش می تواند تصمیم بگیرد اما آنها نمی توانند. رؤسای این دو کشور به ویژه آقای پوتین به این نتیجه رسیده بودند که اگر آن زمان توافق صورت نمی گرفت، ممکن بود قیمت به ۳۰، ۳۵ دلار برسد. ترسیدند و برایشان قابل قبول نبود این

بازار هم متوجه می شود. عربستان می تواند تولید را کم کرده و قیمت را بالا ببرد و فروش آرامکو که تمام شد عکس این، عمل کند. هنوز هم امیدم این است که آقای ولیعهد بگوید این کار را به آینده عقب می اندازد.

❧ شاهد هستیم در صادرات نفت و گاز به چین و هند بین روسیه و عربستان رقابت وجود دارد. اهمیت چین و هند برای بازار نفت چقدر است؟

تقاضای چین از گذشته کمتر شده اما هنوز این تقاضا حدود ۳۵۰ هزار بشکه در روز است. تقاضای هند نسبت به گذشته خیلی بالا رفته قلا صد هزار بشکه در روز بوده اما اکنون ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه شده منتهای چین اثراتش در بازار نفت خیلی مهم تر است شاید سه تا چهار برابر. تقاضای هر دو رشد می کند اما چین قبلا سالی ۵۰۰،۶۰۰ هزار بشکه رشد می کرد و اکنون این رشد تقاضا حدود ۳۵۰،۳۰۰ هزار بشکه است. چین دو مورد اضافه هم دارد. اول اینکه تولید نفت در چین در حال سقوط بزرگی است که از ۲۰۱۵ آغاز شده است. هر سال ۳۰۰،۲۵۰ هزار

بشکه تولیدش کم می شود که باید جایگزین کند یعنی میزان سقوط تولیدش تقریبا معادل با رشد تقاضایش است. چینی ها وقتی قیمت نفت پایین باشد، می خواهند ذخیره سازی کنند که برایشان برنامه خیلی مهمی است. ذخیره سازی دولتی حدود ۲۰۰ هزار بشکه در روز است، ذخیره سازی های خصوصی ۶۰۰،۷۰۰ هزار بشکه در روز است. یعنی چین بین ۱۰۲ تا ۱۰۴ میلیون بشکه در روز نفت وارد می کند، در صورتی که تقاضای خودش فقط ۳۵۰ هزار بشکه بیشتر شده است. قیمت نفت که بالا برود، ذخیره سازی اش را قطع می کند. ۶۰ دلار عدد خیلی مهمی است. وقتی قیمت نفت کمتر از ۶۰ دلار است، تقاضای نفت در دنیا به سرعت بالا می رود و وقتی قیمت بیشتر از ۶۰ دلار شود، تقاضای نفت به سرعت افت می کند. چینی ها هم اگر نفت ارزان باشد، می خردند و انبار می کنند. اما نقش چین خیلی نقش مهمی است چون اگر کشوری تقاضای داخلی، ذخیره سازی، جانشینی وارداتش بیش از یک میلیون بشکه در روز باشد، از کل تولید لیبی که در حدود یک میلیون بشکه در روز است، مهم تر است. بنابراین نقش چین هنوز در بازار خیلی خیلی مهم است. ایران اکنون ۴۰ درصد صادراتش را به اروپا و ۶۰ درصد را به آسیا می فرستد. ایران برنامه دارد که بیشتر به چین توجه کند.

ادامه در صفحه ۱۸

تامین آتیه فرزندان

فردای طلایی کودکم

مسکن، اشتغال، ازدواج، تحصیل



www.Kins.ir

تلفن: ۸۹۳۸۲

بیمه کوثر

شرکت بیمه کوثر
(سهامی عام)